

شنبه 19 جنوری 2019

مرجان کمال

ولایت لهوگر

دگرگونی ستراتیژیک یک جامعه کهن
از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت دهم

زین پرده یکی نغمه دمساز نیاید
یک گوش چرا محرم این راز نیاید
تا حشر دیگر بر سر پرواز نیاید
یکبار به هم این دهن باز نیاید
آن را که خبر شد خبرش باز نیاید
زین زال سیه کاسه به جز آز نیاید
دردا که نظیریش به جهان باز نیاید

جز ناله از این غمکده آواز نیاید
رازیست در این پرده بسی مبهم و تاریک
مرغی که شود بسته در این دام دریغا
این گرسنه از خوردن ما سیر نگردید
زین کوی خموشان نشنیدیم صدائی
از خوان فلک نعمت جاوید مجوئید
در سینه این خاک نهان است جهانی



نقش و رول ستراتیژیک لهوگر

در سال 2003 میلادی سه نقطه اول جای گزینی در شمال - شرق، در جنوب - شرق و در جنوب افغانستان دلالت به سه مرحله نخستین و مقدماتی به سه محور یا جهت نفوذ بالای تمام قلمرو افغانستان ایجاد و تأسیس گردید.

ولایت لهوگر بالای محور دوم که عبارت از میرام شاه - زرمت در جنوب شرق می باشد قرار دارد، دوی دیگر همانا باجور - کُز در شمال - شرق و کویته - قندهار در جنوب می باشد.

از نیمه دوم سال های 1980 میلادی سرحد بین افغانستان - پاکستان شاهد به وجود آمدن و انکشاف شبکه های مسلح به مفاد قاچاقبران مواد مخدر و گسترش و توسعه آن بود . نتیجه این تحول و تغییر شکل، این منطقه سرحدی به یک مکان تجمع و استخراج یک غنای جدید داد و سند تبدیل گردید . به این ترتیب منطقه سرحدی که در حومه سرحد در بالای قلمرو افغانستان همان موقعیت دوباره خود را که عبارت است از قطب تجارتی فراملتی بی که قبل از قرن بیستم داشت دوباره پیدا نماید . به این ترتیب ارتباطات مرکز - حومه مشخص گردیده است توسط یک وابستگی و تعلق داشتن حومه به مقابل مرکز، که معکوس گردیده اند . به این ترتیب ولایت لهوگر از همان وقت به شبکه های فراملتی قاچاقبران اسلحه تبدیل گردید که در بالای گردنه سرحدی خوست، پکتیا و پکتیکا قرار داشته و توسط حزب اسلامی جلال الدین حقانی کنترل می شود . و همچنین این شبکه پلتفورم جهادی فراملتی را ساخته است . در این مورد، جنگی که در سال 2002 میلادی شروع گردید، هیچ نوع تغییرات بالای پلان ساختاری نیاورده اما بیانگر تقویت کننده دینامیکی ست که از سال های 1980 میلادی مستقر گردیده است، به علت تجمع و انبوه نفوس، لوازم لوژیستیکی، مهمات نظامی و اقتصادی.

در سال 2004 میلادی حزب اسلامی جلال الدین حقانی نفوذ خود را از راه جنوب - شرق گسترش داده و اعتبار خود را در نزد شورشیان میراث جنگ علیه شوروی، که از ولایت لهوگر هستند و به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و طالب ها ارتباط دارند کسب نمود.

در سال 2006 میلادی این شبکه ها شروع به ازدیاد نفوذ شان به طرف ولسوالی های نزدیک کابل نموده و در سال 2007 میلادی در جنوب کابل، ولسوالی های موسهپی و چهارآسیاب و بعداً در سال 2008 میلادی به ولسوالی های بگرامی و سروبی رخنه نمودند، این تحول، پیشرفت نمودن و تغییر موضع دادن یک نتیجه بزرگ ستراتیژیکی دارد . در واقع از سال 2008 میلادی شورشیان از طریق ولسوالی سروبی موفق به ساختن یک منطقه بی ثبات و متزلزل را به صورت دائمی در ولایت کاپیسا در شمال شرق کابل خلق نموده و به این ترتیب یک دهلیز برای وسعت دادن شان به طرف جنوب - شرق و به طرف شمال باز نمودند . فلهاذا ولایت کاپیسا همچنان به راه نفوذی، باجور - کُز، که از این طریق، ارتباط بین شبکه های کاپیسا و لهوگر از راه میرام شاه - زرمت به هم پیوست می شوند.

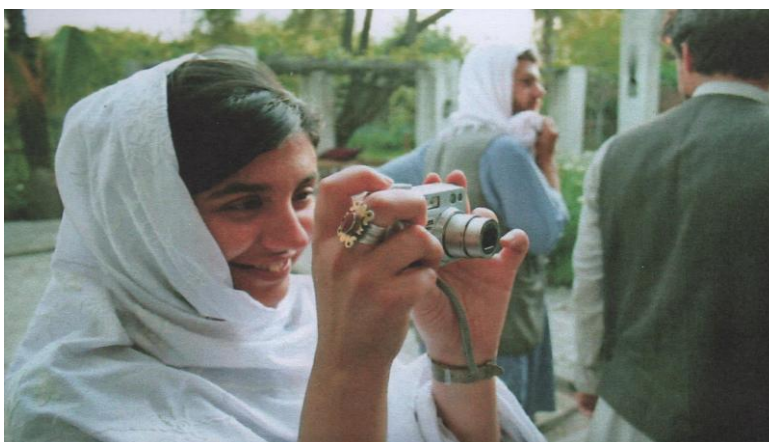
دهلیز عبور و مرور از طریق ولسوالی زرمت به ولسوالی خروار، بعداً از طریق سرک ولسوالی چرخ و ولسوالی های کوچی و از ره یک نقش تعیین کننده و سرنوشت ساز را بازی می کند، زیرا یک تعداد زیادی شورشیان محلی و بین المللی در آن جا متراکم هستند.

یکجا شدن و اتصال بین شبکه های جنوب - شرق و شمال - شرق از طریق این دهلیز بعد از سال 2008 میلادی نتایج ذیل را به همراه داشته که عبارت از خلق نمودن یک رشته بی از شورشیان، که نه تنها تمام شرق کابل (از جنوب شهر تا به شمال - شرق) بلکه از همین طریق ولایت ننگرهار که تا به سال 2007 و 2008 میلادی نشان دهنده یگانه قلمرو سرحدی همراهِ پاکستان، یک ستراتیژی عایق را در مقابل نفوذ شورشیان داشت .

در اخیر سال 2014 میلادی بالای صحنه افغانستان - پاکستان یک بازیگر نو فراملتی، به نام تشکیلات دولت اسلامی (Organisation d'Etat Islamique) (OEI) هویدا گردید. فکر می شود که در بین شبکه های جهادی جهت حمایت از این شبکه نو پیدا، تفرقه ایجاد گردیده است. زیرا دولت اسلامی یا داعش خودش را در مقابله و رقابت با این شبکه ها قرار داده، در حالیکه زیادتیرین پیشروی دولت اسلامی در قلمرو افغانستان از حاشیه جنوبی ولایت ننگرهار از یک طرف، و از طرف دیگر از راه باجور - کنر در شمال - شرق به وقوع پیوست.

این دو نقطه نفوذ و داخل شدن داعش مستقیماً ارتباط می گیرد به دهلیز عبوری بین شبکه های شمال - شرق و شبکه های جنوب - شرق، از طریق ولایت لهوگر، زیرا این دهلیز در این ولایت از سال های زیاد راه عبور و مرور شان بوده است. بالاخره از نظر جیوستراتیژیک ولایت لهوگر از سبب موجودیت یک معدن بسیار بزرگ مس کشور در ولسوالی محمد آغه در محلی به نام مس عینک (Mes - e - Aynak) بسیار زیاد حایز اهمیت می باشد. این معدن در نیمه اول سال 1980 میلادی توسط شوروی ها استخراج آن شروع شده بود.

در ماه می 2008 میلادی یک کانسورسیم (Consortium) چینیایی (ائتلاف چندین شرکت چینیایی) موفق به بدست آوردن قرارداد استخراج این معدن گردید، و این قرار داد یکی از بزرگترین قرارداد هایست که از طرف یک کمپنی خارجی در کشور سرمایه گذاری گردیده است. اما این موضوع، مورد مناقشه و جر و بحث بالای مسایل محیطی از یک طرف و از طرف دیگر عدم موجودیت شفافیت در موقع دوابالایی قرارداد قرار گرفت. امروز نظر به خراب شدن روزافزون و دوامدار شرایط امنیتی مانع تطبیق اکثریت بخش هایی که در قرارداد داخل بود، گردیده است. (سوال استخراج معدن مس عینک نظر به موقعیت آن در پهلوی یک استوپه آثار تاریخی، به فرانسه از طریق هیئت باستان شناس فرانسوی در افغانستان (Délégation Archéologique Française en Afghanistan) (DAFA) نیز ارتباط می گیرد، زیرا این ها یک نقش بارز و مهم در کاوش و تجسس آثار باستانی که در بالای ساحه معدن قرار دارد، بازی می کنند.)



ادامه دارد